آینه

اعتماد

همه‌پرسی و طرح دوپرسش

● یک قاعده کلی در فقه و قانون‌گذاری وجود دارد که هر دستور و قاعده شرعی یا قانونی تابع غرض و علت خاصی است. اگر غیر از این باشد عملی لغو و بیهوده است و شارع یا قانون‌گذار هیچ‌گاه عمل لغو و بیهوده انجام نمی‌دهند. بنابراین طبیعی است که قانون‌گذاران در تدوین قانون اساسی، هنگامی که اصل ۵۹ را تصویب کرده‌اند، با غرض و علت خاصی این کار را کرده‌اند. هرچند قرار نیست که هر روز یا هر سال یک رفراندوم انجام شود، ولی بی‌معناست که با گذشت ۴۰ سال هنوز حتی یک مورد هم مواجه با چنین مسائل مهمی در اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع نشده باشیم؟ مگر ممکن است؟ به‌طور قطع قرار نیست که هر موضوعی که پیشنهاد می‌شود فورا تصویب و به رفراندوم گذاشته شود. ولی آیا می‌توان اصل ورود به این بحث را مسدود کرد؟ قطعا پاسخ منفی است. همین الان می‌توان درباره مسائل گوناگونی مثل قیمت حامل‌های انرژی، پرداخت یارانه‌ها، سانسور، نظارت استصوابی، دسترسی آزاد به رسانه‌ها، حدود قانونی حجاب، در موضوعات خارجی و خیلی از مسائل دیگر که بسیار هم مهم است وارد بحث و گفت‌وگو شد و به‌صورت طرح‌های قانونی به مردم عرضه کرد تا تصویب یا رد کنند. این بهترین شیوه و فصل‌الخطاب آرای عمومی در اداره کشور است.

آسمان

مجرمیت فرد حقوق او را ساقط نمی‌کند

● **گفت‌وگو با عمادالدین باقی:** در ایران به‌اشتباه حقوق متهم را به‌معنای عام به کار می‌برند که شامل حقوق مجرم هم می‌شود. فرق متهم و مجرم روشن است... . متهم حق دارد از لحظه اول وکیل داشته باشد و در مراحل تحقیقات وکیلش حضور بیابد؛ در غیراین‌صورت، دادرسی باطل و بی‌اعتبار است.... متهم حق دارد از پاسخ‌دادن امتناع کند و هیچ مقامی حق ندارد او را مجبور به پاسخ کند. سلول انفرادی و بازداشت موقت می‌تواند عامل فشاری برای مجبورکردن به پاسخ‌دادن باشد؛ ازهمین‌رو هم در دوره آیت‌الله شاهرودی دستور تعطیلی سلول‌های انفرادی به‌عنوان مصداق بارز شکنجه صادر شده بود. در نظام حقوقی ایران قوانین خوبی تصویب می‌شوند اما بعدا با یک تبصره، اصل قانون به هوا می‌رود؛ مانند اینکه اصل ۳۵ قانون اساسی می‌گوید: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد» و این حق اطلاق دارد اما در قانون آیین دادرسی ضمن اینکه این اصل تکرار شده، با یک تبصره آن را از حیز انتفاع ساقط می‌کنند. مسئولیت حفظ جان و سلامت زندانی به‌طور مستقیم به‌عهده سازمان زندان‌ها و قوه قضائیه است اما از آنجا که طبق احکام فقهی، حکومت ضامن است و باید دیه از بیت‌المال داده شود کل حکومت مسئول است.

جوان

تأمین مطامع سیاسی با اصل ۵۹ قانون اساسی!

● همراه‌سازی مردم با خواسته‌های جناحی، می‌تواند به رویارویی مردم با حاکمیت نیز منجر شود، به‌طوری‌که چنانچه مردم با اهداف جناحی طیف سیاسی مورد اشاره همراهی کنند، نقش اهرم فشار را علیه حاکمیت بازی کرده و قدرت چانه‌زنی طیف مورد اشاره برای تحقق خواسته‌های خود افزایش چشمگیری پیدا می‌کند. اینکه گفته می‌شود راهکار حل مناقشات داخلی پیرامون مسائلی مانند آزادی‌های فردی و اجتماعی یا حتی مذاکرات موشکی، حقوق‌بشر و تروریسم رجوع به اصل ۵۹ قانون اساسی است را باید در جهت «ملی‌کردن مطالبات حزبی» دانست و برگزاری رفراندوم درباره مسائل این‌چنینی براساس آنچه گفته شد، خلاف قانون و متضاد با اراده قانون‌گذار است.

به بهانه سفر ۳ روزه رئیس جمهوری به هند

هندوستان؛ همسایه کهن

عباس ملکی
رئیس اسبق دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه

جواهر لعل نهرو، از رهبران جنبش استقلال هند و نخست‌وزیر این کشور، از ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۴ در مدت زمانی که در زندان‌های هند در دوره استعمار انگلیس محبوس بود، برای دخترش، ایندیرا، نامه‌هایی می‌نوشت. نهرو که حقوق‌دانی زبردست و فارغ‌التحصیل دانشگاه آکسفورد بود، در مجموعه این نامه‌ها که بعدا در کتابی چندجلدی به نام «نگاهی به تاریخ جهان» منتشر شد، درباره نقاط مختلف جهان، تمدن‌ها و حکومت‌ها سخن می‌گوید. او درباره سرزمین و تمدن ایران این‌چنین نامه خود را شروع می‌کند: «اکنون به ایران، به سرزمینی که گفته می‌شود روحش به هند آمده و در بنای تاج‌محل کالبد و جسم متناسبی برای خود یافته است، برویم». او سپس به هنر و سنت‌های ایرانی و سیر تطور و مداومت و تکامل آنها پرداخته است. او از فردوسی و عمر خیام یاد کرده و ادامه می‌دهد: «به دنبال آنان شیخ سعدی شیرازی آمد که یکی از بزرگ‌ترین شاعران ایران است و شاگردان مدارس هند در چندین نسل گذشته کتاب‌های گلستان و بوستان او را می‌آموختند و در خاطر حفظ می‌کردند». او از تأثیر زبان فارسی در شبه‌قاره هند آگاه است: «زبان فارسی در دربار امپراتوران مغول هند و به‌طورکلی در آسیای غربی زبان فرهنگ شمرده می‌شود و مانند زبان فرانسوی در اروپاست».

سفر یک خانم گاندی به تهران

در سال ۱۹۶۶ میلادی ایندیرا، دختر نهرو، حکومت را از طریق نخست‌وزیری به دست گرفت و توانست سیاست‌مدارانه و با اقتدار دولت را اداره کرده و هند را به‌عنوان یک کشور آسیایی در صحنه بین‌المللی مطرح کند. او با فیروز گاندی، یک ایرانی حقوق‌دان، ازدواج کرد. ایندیرا از ابتدا به صحنه سیاست روی آورد و نهایتا پس از چند بار نخست‌وزیری در ۱۹۸۴ در یک انفجار تروریستی کشته شد. دو پسرش سانجای و راجیو هم به صحنه سیاست در هند روی آوردند. سانجای در حادثه هواپیما در ۱۹۸۰ کشته شد و راجیو که در یک دوره به نخست‌وزیری رسیده بود، در ۱۹۹۴ در مبارزات انتخاباتی در یک انفجار تروریستی به قتل رسید. آخرین سفر راجیو گاندی به خارج از کشور، سفر او و همسرش، سونیا گاندی، به تهران بود. بعدها در جریان اجلاس کشورهای حاشیه اقیانوس هند در دهلی نو، بر سر میز شام، خانم گاندی با اشتیاق از خاطرات شیرین سفر به تهران همراه با راجیو سخن می‌گفت. در زمان سفر، راجیو هیچ‌گونه سمت دولتی‌ای نداشت و وزارت خارجه ایران به‌دلیل احترام به خانواده گاندی، به‌ویژه خانم ایندیرا گاندی و نقشی که در لغو میزبانی عراق برای اجلاس وزرا و رهبران کشورهای عدم‌تعهد در عراق به دعوت صدام حسین در ۱۹۸۵ داشت، این سفر را تدارک دیده بود. دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه مسئول پذیرایی از خانم راجیو و همسرش بود. ما یک خودرو و یک راننده در اختیار این زوج گذاشتیم و آنها تهران را حسابی گشتند. خانم سونیا گاندی می‌گفت: «با راجیو به بازار تهران رفتیم. من یک لباس ساری هندی پوشیده بودم که به حجاب زنان ایرانی نزدیک‌تر بود. همین‌طور که راه می‌رفتم و به فرش‌ها نگاه می‌کردم، یک‌باره پایم در چاله‌ای وسط بازار فرو رفت. راجیو جلوتر از من حرکت می‌کرد و متوجه نشد. به زمین افتادم. یکی از جوان‌هایی که در جلوی یکی از حجره‌های نزدیک من نشسته بود، از جا پرید و آمد دست من را گرفت و همین‌طور که داشت من را از روی زمین بلند می‌کرد، جمله‌ای به زبان فارسی به‌این مضمون گفت که آیا سلامت هستید خانم گاندی؟ من فقط دو کلمه خانم و گاندی را متوجه شدم. بعد راجیو هم آمد و به دعوت آن جوان ایرانی رفتیم داخل حجره روی صندلی نشستیم. من به مچ پایم دست می‌کشیدم که مبادا استخوانش شکسته باشد. برایمان چای آورد. من از این همه محبت و میزبانی شگفت‌زده شده بودم. با خودم فکر کردم که شاید وزارت خارجه ایران از قبل برنامه دیدار ما از بازار تهران را هماهنگ کرده، زیرا این مرد من را می‌شناخت و من را به نام صدا کرد. وقتی که درد پایم بهتر شد و می‌خواستیم از حجره خارج شویم، از جوان تشکر کردم و گفتم که یک سؤال از شما دارم؛ شما از کجا در این ازدحام بازار من را شناختید و به نام صدا کردید؟ جوان کمی تأمل کرد و گفت مگر شما هندی نیستید؟ گفتم چرا. جوان خیلی عادی پاسخ داد خوب همه زنان هندی خانم گاندی هستند دیگر».

روابط ایران و هند ریشه در تاریخ دارد. واقعیت این است که هند درعین‌حال که یک لحاف چهل‌تکه است و مکاتب فکری و گرایش‌ها و مذاهب مختلف با مردمانی با نژادهای متفاوت در کنار یکدیگر به‌صورت مسالمت‌آمیز زندگی می‌کنند، اما تأثیر ایران و زبان فارسی بر شبه قاره هند انکارناپذیر است. همسایگی ایران و هند در آسیای جنوبی و آسیای جنوب‌غربی، این روابط را تعمیق بخشیده است. در طول تاریخ کمتر ملتی به اندازه ایرانیان و هندیان با هم ارتباط دیرینه و تنگاتنگ داشته‌اند. پس از اسلام، این تعاملات توسعه بیشتری یافته و فرهنگ اسلام از سرزمین ایران به هند رفت و سرگذشت و سرنوشت این ملت، در مقاطع متعددی از تاریخ ورود اسلام به هند، به یکدیگر گره خورد؛ تا جایی که در زمان صفویه، امپراتوری بابریان با حمایت ایشان قدرت یافت و زبان و هنر و معماری ایرانی، بر شئون فرهنگی هند حاکم شد. امروزه تعداد کتب خطی فارسی و آثار نقاشی مکتب‌های قزوین و اصفهان در هند، بیش از ایران است و چشم سیاحان خارجی در هند به شاهکارهای معماران ایرانی همچون تاج محل روشن می‌شود. فرهیختگان هند، همواره ایران را به عنوان مهد تمدنی که تعاملاتش با هند تأثیرات فراوانی بر آن گذاشته، محسوب کرده‌اند. نمونه‌هایی از این نگرش را در آثار جواهر لعل‌نهرو مانند نگاهی به تاریخ جهان ، کشف هند از عظمت فرهنگ ایرانیان و سخنان و مقالات رابیندرانات تاگور درباره حافظ می‌توان دید.

هند امروز

هند بزرگ‌ترین دموکراسی جهان و دومین کشور از لحاظ تعداد جمعیت با جمعیتی حدود یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر است و بدون شک، نقش مهمی در سازمان‌های بین‌المللی دارد. حدود ۴۰ درصد از کارکنان سازمان‌های تخصصی ملل متحد هندی هستند. اگر قرار باشد که به کشورهای عضو دائم شورای امنیت ملل متحد، کشوری اضافه شود، هند از اولین انتخاب‌ها خواهد بود. جنبش غیرمتعهدها از زمان جواهر لعل نهرو در هند شروع شد. امروزه هند یکی از دارندگان سلاح هسته‌ای در جهان است. هند از نمونه‌های موفق در خودکفایی صنعتی و کشاورزی است که جایگاه ویژه‌ای را در جهان از لحاظ اقتصادی کسب کرده است.

ایران و هند پس از انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹ روابط خود را توسعه دادند. ایران تا قبل از انقلاب عضو سازمان پیمان مرکزی بود که به نوعی در برابر کشورهای بلوک شرق مانند اتحاد شوروی و کشورهای نزدیک به مسکو مانند هند صف‌آرایی کرده بود. ایران و هند جزء گروه ۷۷ و همچنین گروه ۱۵ هستند. در قالب همکاری‌های آسیایی هند در کنار روسیه، چین و ژاپن، ایران می‌تواند یکی از قطب‌های اساسی را در چارچوب منطقه‌گرایی شکل دهد. همکاری‌های ایران و هند در زمینه‌های انرژی، فرهنگ و دیالوگ تمدنی برای دیگر کشورها می‌تواند نمونه‌ای قابل قبول باشد. هر دو کشور در سازمان همکاری‌های شانگهای یکی به‌صورت عضو و یکی به‌صورت ناظر هستند.در صحنه جهانی نیز ایران و هند همچون دو همسایه نزدیک با یکدیگر همکاری می‌کنند. در فعالیت‌های منطقه‌ای با پتانسیل بالا برای رسیدن به منافع مشترک در گسترش همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و تجارت، مبارزه با مواد مخدر و مبارزه با تروریسم تلاش می‌ورزند تا از این رهگذر به صلح و ثبات منطقه‌ای و جهانی دست یابند.رهبران سنتی هند مانند خانم ایندیرا گاندی، راجیو گاندی و ناراسیمها رائو به ایران نگاه مثبت تاریخی و استراتژیک منطقه‌ای داشتند. اما نگاه رهبران جدید هند به ایران مانند گذشته نیست. نخست‌وزیر مودی با دیدگاه اصلاحات اقتصادی خود در فکر توسعه همه‌جانبه هند است و افرادی مانند او شاید به زندگی با ارزش‌های غربی بیشتر از ایران اهمیت می‌دهند. گرچه در همین چارچوب مجددا نیازهای انرژی هند، آنان را به داشتن رابطه نزدیک با ایران ملزم می‌کند.

منافع و نگرانی‌های مشترک

در سال‌های اخیر هند تحولات چندجانبه‌ای را پشت‌سر گذاشته است. از اوایل ۱۹۹۰ در دولت حزب کنگره به رهبری مان موهان سینگ که خود از اقتصاددانان صاحب‌نام است، هند به آزادسازی اقتصادی روی آورد. خروج نیروهای شوروی از افغانستان و سپس فروپاشی شوروی، هند را از وضعیت دوقطبی رها کرد. شوروی و هند از یک‌سو و آمریکا و پاکستان از سوی دیگر در مسائل ژئوپلیتیک منطقه بازیگر بودند. از سوی دیگر هند و چین دارای اختلافات مرزی هستند و چین از پاکستان برای فشارآوردن بر هند استفاده می‌کند. دوری هند از سوسیالیسم و نزدیکی به نظام بازار آزاد به هند اختیار عمل بیشتری داد. به نوعی که روابط خود را با کشورهای غربی نزدیک‌تر کرد. در ۱۹۹۸ هند با آزمایش موشک هسته‌ای باعث تحریم‌های گسترده آمریکا علیه این کشور شد. اما دیری نپایید که با توجه به حادثه ۱۱ سپتامبر و وزن فوق‌العاده هند در مسائل بین‌المللی و آسیایی، سیاست خارجی آمریکا از تکیه‌کردن به پاکستان به سمت هند چرخید و دو کشور پیمان استراتژیک را در ۲۰۰۳ امضا کردند.دو کشور ایران و هند درباره نگرانی‌های منطقه‌ای در آسیای جنوبی به‌ویژه امنیت و ثبات منطقه‌ای دارای تناقض جدی نیستند، بلکه منافع و نگرانی‌های مشترک دارند. علاوه بر قرابت جغرافیایی، ایران و هند دارای منافع مشترک نیز هستند. همچنین دو کشور دارای منافع در آسیای مرکزی هستند. این منطقه وسیع که در گذشته در تسلط روسیه و اتحاد شوروی بوده، اکنون به دنبال مدلی برای توسعه همه‌جانبه و رشد اقتصادی است. هند چندان با پروژه بزرگ چین با نام «یک کمربند، یک جاده» همراه نیست. با توجه به عدم دسترسی مستقیم هند به آسیای مرکزی و افغانستان، نقش بندر چابهار تنها بندر اقیانوسی ایران آشکار می‌شود. هند ایران را به‌عنوان شاهراه اصلی رسیدن هند به آسیای مرکزی و قفقاز تلقی می‌کند و مایل است که از این مسیر ترانزیت هرچه بیشتر استفاده کند. مسئله افغانستان یکی از آن نگرانی‌های مشترک است. به لحاظ همکاری‌های دفاعی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی با نیروی دریایی هند می‌توانند مانورهای مشترک برگزار کنند. مسئله کشمیر یکی از نقاط افتراق بین ایران و هند است.درباره افغانستان دو کشور ایران و هند عقیده دارند منافع ملی آنان ایجاب می‌کند که شاهد افغانستانی امن، قوی و مستقل، عاری از مداخله خارجی و باظرفیت در مقابله با نیروهای خارجی، توانا در حکومت با مبنای وسیع اجتماعی منعکس‌کننده تکثر جامعه افغانستان و باثبات از طریق اجماع ملی فراگیر که از سوی افغان‌ها و نه نیروهای خارجی انجام پذیرفته، باشند.

ادامه در صفحه ۱۵

سیر دموکراسی در ایران

سیمین حاجی‌پورساردویی
دکترای علوم سیاسی - جامعه‌شناسی سیاسی

حرکت دموکراسی اسرارآمیز و به‌عنوان شکلی از حکومت همواره در تلاطم، تغییر و بی‌ثباتی است. برخی کشورها از سیستم غیردموکراتیک به سمت دموکراسی در حال گذار هستند، درحالی‌که برخی دیگر نظام دموکراتیک را کنار می‌گذارند. در واقع نمی‌توان گفت کشوری که به دموکراسی دست یافت، برای همیشه در بازی دموکراسی باقی خواهد ماند. دموکراسی یک نتیجه نهایی و غیرقابل بازگشت نیست؛ امواجی دارد که در سال‌های اخیر بیشتر و بیشتر آن را به یک نتیجه موقتی نزدیک می‌کند. شاخص دموکراسی نشان می‌دهد کمتر از پنج درصد از جمعیت کل جهان امروزه در «دموکراسی کامل» به سر می‌برند، اما آیا می‌توان دموکراسی را با عدد و رقم اندازه گرفت؟ چگونه کشورهای مختلف با تاریخ، سنت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت می‌توانند به یک روش با یکدیگر مقایسه شوند؟

در گزارش اخیر واحد اطلاعات اکونومیست (EIU) بیان شده روند جهانی «رکود دموکراسی» ادامه دارد و دموکراسی در برخی کشورها که سال‌ها به‌عنوان کشورهای امن دموکراتیک محسوب می‌شدند، عقب‌گرد را تجربه می‌کند؛ برای مثال، در کشوری مانند آمریکا پس از روی‌کارآمدن دونالد ترامپ شاخص دموکراسی کاهش آشکاری را در کیفیت نشان می‌دهد، به‌گونه‌ای که آمریکا در سال ۲۰۱۷ هم‌رتبه با ایتالیا و همراه با فرانسه و ژاپن در دسته «دموکراسی‌های ناقص» قرار دارد.

درباره تعریف دموکراسی اجماعی وجود ندارد و تعریف آن مورد اختلاف و چالش است. گرچه دو اصطلاح «آزادی» و «دموکراسی» در یک معنا به کار گرفته می‌شوند، اما این دو مترادف و هم‌معنا با یکدیگر نیستند. دموکراسی را می‌توان مجموعه‌ای از رویه‌ها و اصولی در نظر گرفت که آزادی را نهادینه و در نهایت، حمایت می‌کند. تعریف دموکراسی با ابهام همراه است، اما امروزه بیشتر اندیشمندان حداقل درباره ویژگی‌های دموکراسی توافق دارند؛ بنابراین این سؤال پیش می‌آید که چه ویژگی‌هایی دموکراسی را شکل می‌دهد؟ ویژگی‌های دموکراسی را شامل دولت بر پایه رأی اکثریت، انتخابات آزاد و عادلانه، حمایت از گروه‌های اقلیت و احترام و رعایت حقوق بشر می‌دانند و پیش‌شرط دموکراسی برابری در برابر قانون، رویه‌های قانونی و کثرت‌گرایی سیاسی است؛ ازاین‌رو واحد تحقیقات اکونومیست برای اندازه‌گیری دموکراسی از مدلی استفاده می‌کند که ۶۰ شاخص متفاوت را در پنج گروه- فرایند انتخابات و کثرت‌گرایی، کارآمدی دولت، مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی دموکراتیک و آزادی‌های مدنی- ارزیابی می‌کند، هرچند این مدل نیز مانند سایر مدل‌های آماری محدودیت‌های خاص خود را دارد.براساس این مدل، دموکراسی نظامی است که در آن شهروندان آزادانه و بر پایه رأی اکثریت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی مشارکت می‌کنند، گرچه رأی اکثریت لزوما و ضرورتا دموکراتیک محسوب نمی‌شود؛ ازاین‌رو دموکراسی بر پایه حق رأی اکثریت باید با تضمین حقوق بشر و حق گروه‌های اقلیت ترکیب و تکمیل شود. حداقل کارآمدی دولت نیز از پایه‌های اساسی دموکراسی است. اگر تصمیم‌های دموکراتیک درست، صحیح و شفاف به اجرا درنیایند، دموکراسی معنا و مفهوم خود را از دست می‌دهد، اما ازآنجاکه دموکراسی چیزی بیش از حاصل جمع نهادهای دموکراتیک است، در نتیجه فرهنگ سیاسی دموکراتیک نیز برای مشروعیت، کارآیی و در نهایت، پایداری دموکراسی ضرورت دارد. فرهنگ انفعال و بی‌تفاوتی با دموکراسی سازگار نیست. از سوی دیگر، فرایند انتخابات به‌طور طبیعی جمعیت را به برندگان و بازندگان انتخابات تقسیم می‌کند و یک فرهنگ سیاسی دموکراتیک بر این باور است که بازندگان انتخابات باید به رأی اکثریت احترام بگذارند و امکان انتقال مسالمت‌آمیز قدرت را فراهم کنند. مشارکت نیز از اجزای ضروری دموکراسی است. یک دموکراسی سالم به مشارکت فعال، آزادانه و منسجم تمام شهروندان وابسته است و زمانی تحقق می‌یابد که شهروندان به مشارکت در بحث‌های عمومی، انتخاب نمایندگان و عضویت در احزاب سیاسی تمایل داشته باشند.

براساس آخرین ارزیابی واحد اطلاعات اکونومیست از شاخص دموکراسی در سال ۲۰۱۷، ایران با چهار رتبه بهبود نسبت به سال قبل در جایگاه ۱۵۰ در میان ۱۶۵ کشور و دو سرزمین جهان قرار گرفته است. این در حالی است که ترکیه در رتبه ۱۰۰، پاکستان ۱۱۰، عراق ۱۱۲ و افغانستان در رتبه ۱۴۹ قرار دارند.

بررسی روند تغییر شاخص دموکراسی در ایران از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ نشان می‌دهد کمترین میزان دموکراسی به سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹) با امتیاز کل ۱،۹۴ مربوط می‌شود. شاخص دموکراسی در ایران در سال ۱۳۹۰ با ۰،۰۴ رشد به ۱،۹۸ رسید و این میزان تا سال ۱۳۹۳ ثابت باقی ماند. پس از سال ۱۳۹۳، این شاخص به‌تدریج و به کندی روند مثبت و صعودی را پیموده و در سال ۱۳۹۶، امتیاز کل ایران از منظر دموکراسی در یک مقیاس ۱۰ درجه‌ای به ۲،۴۵ رسیده است.

در دسته «مشارکت سیاسی» که تعداد رأی‌دهندگان، سطح مشارکت و نمایندگی زنان و گروه‌های اقلیت، مداخله عموم مردم در سیاست، آزادی اعتراض و سواد افراد بزرگسال را شامل می‌شود، امتیاز ایران ۴،۴۴ است. این در حالی است که در هر دو گروه «کارآمدی دولت» - شامل قدرت قوه مقننه برای تأثیرگذاری بر سیاست، نظارت و موازنه قدرت، فساد و اعتماد عمومی به دولت - و «فرهنگ سیاسی دموکراتیک» - که انسجام و اجماع جامعه و درک عامه مردم و احساس آنها به نهادهای دموکراتیک را دربر می‌گیرد - امتیاز ایران به ترتیب ۳،۲۱ و ۳،۱۳ است.

امتیاز ایران در آزادی‌های مدنی فقط ۱،۴۷ است که امتیاز پایینی محسوب می‌شود. در واقع، از منظر آزادی‌های مدنی امتیاز ایران با عربستان سعودی، گینه و چین برابر است. عواملی که آزادی‌های مدنی را شکل می‌دهند شامل آزادی بیان، وجود و حضور رسانه‌های آزاد و قوی، برابری، حقوق بشر، تبعیض جنسیتی و آزادی‌های فردی است که در ایران پایین‌تر از متوسط دموکراسی‌های جهانی ارزیابی شده است.گرچه شاخص دموکراسی در ایران روند صعودی و بهبود را نشان می‌دهد، اما این روند بسیار کند است. انتظار این است که قوای سه‌گانه نگاه دقیق‌تری به این شاخص‌ها داشته باشند. امید است با وضع قوانین مشخص انتخابات و قانون احزاب سیاسی با تغییر نظام انتخاباتی از اکثریتی به تناسبی یا ترکیبی از اکثریتی و تناسبی کثرت‌گرایی در انتخابات را بیشتر و بهتر امکان‌پذیر کرده و از فساد، اختلاس و انواع جرائم اقتصادی پیشگیری کنیم. باید برای بهبود فرهنگ و مشارکت سیاسی تلاش کنیم، آزادی‌های مدنی را تضمین کنیم، از محدودیت‌های روزنامه‌نگاران بکاهیم، رویه‌های قضائی را شفاف‌سازی کنیم، پاسخ‌گویی باید در جامعه ایران نهادینه و به مسئولیتی انکارناپذیر تبدیل شود تا اعتماد مردم به نهادهای مختلف افزایش یابد؛ چراکه اعتماد عمومی سرمایه هر حکومتی است.

ادامه از صفحه اول

دلایل افزایش نرخ ارز

دسته اول دلایل واقعی ارادی، دسته دوم عوامل واقعی غیرارادی و دسته سوم دلایل روانی.

عوامل واقعی ارادی افزایش نرخ ارز؛ گاهی دولت‌ها تصمیم می‌گیرند برای رونق و حمایت از صادرات، نرخ برابری ارز را افزایش دهند و اصولا افزایش نرخ تسعیر ارز یکی از سیاست‌های تشویق صادرات و ابزاری برای حمایت از صادرکننده در رقابت بین‌المللی محسوب می‌شود که به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، دولت چنین انگیزه‌ای ندارد، زیرا کشور با محدودیت صادرات غیرنفتی مواجه است. در این میان باید توجه داشت که بزرگ‌ترین صادرکننده در کشور ما، خود دولت است و در اثر افزایش نرخ تسعیر ارز، درآمدهای نفتی دولت با نرخ بالاتری به ریال تبدیل خواهد شد و از منابع حاصله دولت می‌تواند استفاده بیشتری ببرد. البته ازآنجایی‌که دولت مسئولیت‌هایی مهم‌تری از افزایش درآمد صادراتی دارد، بعید به نظر می‌رسد دولت در شرایط فعلی چنین انگیزه‌ای داشته باشد و اصولا این دلیل برای افزایش نرخ ارز منتفی به نظر می‌رسد. یکی دیگر از عوامل افزایش نرخ تسعیر ارز، کاهش عرضه ارز در بازار است و با کاهش عرضه و تأمین‌نشدن نیاز ارزی بازار، نرخ ارز در اثر فشار تقاضا افزایش می‌یابد که طبق گزارش بانک مرکزی عرضه ارز به بازار نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه تشدید هم شده است؛ بنابراین کاهش عرضه ارز برای افزایش نرخ تسعیر ارز نیز منتفی به نظر می‌رسد. با این توضیح باید دلیل افزایش نرخ ارز را بین سایر عوامل که غیرارادی هستند، جست‌وجو کرد.

عوامل واقعی غیرارادی افزایش نرخ ارز؛ عوامل دیگری هستند که باعث افزایش نرخ ارز می‌شوند، ولی در کنترل دولت نیستند. افزایش تقاضا برای ارز در بازار یکی از این عوامل است که این افزایش تقاضا می‌تواند ناشی از انگیزه تبدیل ریال به ارز به‌منظور خروج سرمایه از کشور یا با انگیزه انجام واردات یا استفاده از ارز به‌منظور سرمایه‌گذاری و کسب بازده باشد. کسانی که به هر دلیل قصد خارج‌کردن سرمایه خود را به خارج کشور دارند با ایجاد تقاضای اضافی، باعث افزایش نرخ تسعیر ارز می‌شوند. واردکنندگان کالا نیز باید منابع ریالی خود را به ارز تبدیل کنند و با ارز حاصله اقدام به خرید کالا از خارج کرده و با واردات کالا و فروش آن در بازار، کالا را به ریال تبدیل کرده و مجددا با ریال حاصله، ارز تهیه کنند و ارز تهیه‌شده را خارج و به‌جای آن کالا وارد کنند. به‌این‌ترتیب می‌توان دریافت که واردکنندگان کالا، کارشان خروج ارز از کشور است و هر محدودیتی در این زمینه هم باعث کاهش تقاضا برای ارز خواهد شد و هم از تولیدات مشابه داخلی حمایت خواهد شد؛ اما عامل و انگیزه مهمی که این روزها نمود بیشتری یافته، نگاه سرمایه‌گذاری به ارز با نیت کسب بازده از ارز است. به‌تازگی و در پی کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی، برخی سپرده‌گذاران اقدام به خروج منابع خود از بانک‌ها کرده‌اند و منابع مالی خود را به خرید ارز اختصاص داده‌اند تا از محل افزایش نرخ ارز کسب سود کنند و به نظر می‌رسد در مقطع زمانی فعلی، این عامل بیش از سایر عوامل، بر افزایش نرخ ارز مؤثر است.

عوامل روانی افزایش نرخ ارز؛ گاهی روند افزایشی نرخ ارز، این ذهنیت را ایجاد می‌کند که این روند ادامه و امتداد دارد و همگان با ورود به این فضا، روند افزایشی را تشدید و استمرار می‌بخشند، غافل از اینکه همین ذهنیت و اقدام ناشی از آن باعث استمرار این روند افزایشی شده است. در این حالت کسانی که در اوج قیمت منابع ارزی خود را به ریال تبدیل می‌کنند برنده این بازی خواهند بود و کسانی که از فروش جا می‌مانند بیشترین ضرر را خواهند دید.

صرف‌نظر از اینکه دلیل افزایش نرخ ارز چیست، به نظر می‌رسد این افزایش در مجموع برای اقتصاد کشور مضر است و باید فضای روانی و واقعی را به نحوی تغییر داد که نگاه کالایی و سرمایه‌گذاری به ارز تغییر کند، زیرا حاصل افزایش نرخ ارز، تضعیف اقتصاد و پول ملی، افزایش تورم، تشدید فاصله طبقاتی، فشار به تولیدکنندگان به‌ویژه آنهایی است که وام ارزی اخذ کرده‌اند که هیچ‌کدام از این وقایع، مطلوب شرایط امروز کشور نیست.

مسئله کرد، ایران و سیاست آمریکا در سوریه

به‌طورکلی، یک پدیده همیشه می‌تواند فارغ از دلایل اولیه پیدایشش، زندگی خاص خود را آغاز کرده و سمت و سویی بیابد که ربطی به علل اولیه شکل‌گیری آن نداشته باشد. بنابراین موجودیت کردی در سوریه، مستقل از مقاصد آمریکا می‌تواند سیر خاص خود را طی کند و لایه جدیدی بر مسئله پیچیده کردی در منطقه بیفزاید. از آنجا که فعالیت سیاسی سازمان‌یافته عمده‌ای در گذشته بین کردهای سوریه وجود نداشته، ایجاد چنین موجودیتی تا همین جا نیز تحول مهمی بوده است.

همیاری جهاد کشاورزی
شرکت سهامی پشتیبانی امور دام کشور

شرکت سهامی پشتیبانی امور دام کشور (نوبت دوم)
آگهی مناقصه عمومی شماره ۹۶/۶۹/م

۱ - مناقصه گزار: شرکت سهامی پشتیبانی امور دام کشور به شناسه ملی ۱۴۰۰۲۷۷۱۷۳۶ و شماره اقتصادی ۴۱۱۱۱۳۶۷۳۷۷۱
به نشانی: تهران- میدان ونک- خیابان برزیل شرقی- پلاک ۳۳- طبقه همکف -کمیسیون معاملات
۲- موضوع مناقصه:برون سپاری وصول مطالبات معوقه شرکت سهامی پشتیبانی امور دام کشور از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره مناقصه ۲۰۰۹۶۱۰۱۴۰۰۰۰۲۹
۳ - نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: اصل فیش واریزی وجه نقد به حساب شماره ۴۰۰۱۰۳۹۸۰۶۳۷۰۵۶۴ خزانه بانک مرکزی قابل واریز در کلیه شعب بانک ملی ایران یا ضمانت نامه بانکی به نام مناقصه گزار(کلیه بانکها به جز بانک سرمایه) و یا اوراق مشارکت بی نام تضمین شده بانکها و دولت با قابلیت بازخرید قبل از سررسید(موضوع قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت) را ضمن درج در سامانه ستاد در پاکت الف لاک و مهر شده تا ساعت ۱۷ روز شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۲ به مناقصه گزار تسلیم گردد.
۴ - مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (پنجاه میلیون ریال) به نام شرکت سهامی پشتیبانی امور دام کشور
۵ -زمان دریافت اسناد، تحویل پیشنهاد و گشایش پیشنهادهای مالی:
۵-۱ - مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد: تا ساعت ۱۷ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۳۰
۵-۲ - مهلت ارائه پیشنهاد از سامانه ستاد: تا ساعت ۱۷ روز شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۲
۵-۳ - مهلت تحویل پاکت الف محتوی اصلی تضمین: تا ساعت ۱۷ روز شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۲
۵-۴ -زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۵ واقع در نشانی مناقصه گزار
۶ - خرید اسناد: متقاضیان شرکت در مناقصه می توانند پس از واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال (غیر قابل استرداد به شماره حساب شبا ۴۰۰۱۰۳۹۸۰۴۰۰۶۰۸۷ IR ۳۱۰۱۰۰۰۰ با کد شناسه شماره ۳۷۷۰۳۹۸۸۲۲۰۳۹۰۰۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱۱۰۳ بصورت پایا به خزانه بانک مرکزی از طریق سامانه ستاد) در زمان مهلت دریافت اسناد (ردیف۱- ۵ آگهی) به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه و اسناد مناقصه را دریافت نمایند.
۷ - مراحل برگزاری مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۵ می باشد.
۸ - سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اس